

کتاب "ارثیه خانه خرابکن"

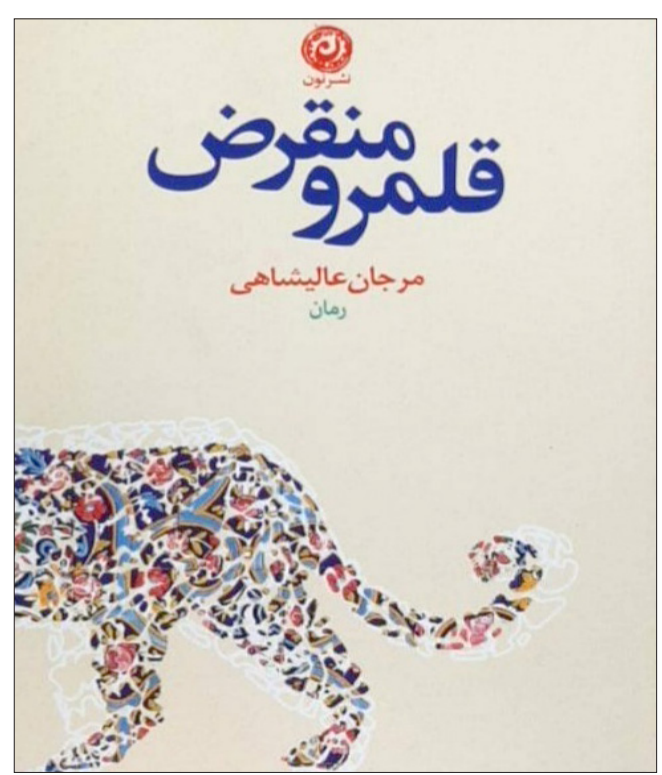
ایرنا: کتاب "ارثیه خانه خراب کن" به عنوان جلد چهاردهم از مجموعه کتابهای "فقر خطرات بچه لاغر مردنی" با ترجمه "نسرین مهاجرانی" توسط انتشارات "پیدایش" به طبع رسید. تمامی جلدهای این مجموعه کتاب اثر "جفت کینی" توسط نسرین مهاجرانی ترجمه شده و بارها تجدید چاپ شده‌اند. نسرین مهاجرانی مترجم ایرانی متولد ۱۳۴۴ در حوزه و ادبیات کودک و نوجوان نامی شناخته شده است که تاکنون بیش از ۳۰ عنوان کتاب را در این حوزه ترجمه کرده است. وی مدیر مسئول "مجله مادران" بوده و سالها در روزنامه‌ها و مجلات حوزه کودکان و مادران فعال بوده است.

مطالبه گری در چارچوب قانون حق رسانه‌ها است

فردای کرمان: دبیر شورای هماهنگی روابط عمومی دستگاه‌های اجرایی استان کرمان با تأکید بر این که مطالعه گری در چارچوب قانون حق رسانه‌ها است، گفت: «برخی از روابط عمومی‌ها در هنگام مواجهه با هر گونه انتقاد، به جای ارائه اطلاعات درست به رسانه‌ها و استفاده از فرصت‌های قانونی تعیین شده از جمله ارسال جوابیه و... به دنبال شکایت از رسانه و برخورد می‌روند که این اقدام فضا را از حالت تفاهم دور می‌کند». عباس تقی‌زاده با بیان این که گرچه هنوز هم برخی با وظایف روابط عمومی‌ها آشنا نیستند، گفت: «یکی از مشکلات موجود این است که برخی روابط عمومی دستگاه‌ها به دلیل عدم تسلط کامل به قانون مطبوعات، بعضاً در تعاملات رسانه‌ای خود به شکلی عمل می‌کنند که می‌تواند برای آن دستگاه نیز مشکل ایجاد کند و یا اگر روزنامه‌ای انتقاد می‌کند، واکنش مناسبی را انجام نمی‌دهند».

گپی با مرجان عالیشاهی به بهانه انتشار کتاب تازه‌اش؛

حسی شبیه منقرض شدگی



همه آن سال‌ها فکر می‌کنم، به همه روزها و شب‌هایی که این رمان از جان من جدا می‌شد. هنوز هم نمی‌دانم چطور جان به در بردم. از کشف عشق، شادی، بیماری، طبیعت و عظمت تارکین روشنی هستی و مرگ عزیزترین کسی که داشتم، حالا که از آن مهلکه بیرون آمده‌ام، حیرت زده‌ام. در آستانه‌ی چهل سالگی کشف من از هستی این رمان بود که اگر روزی، شبی ساعتی با آن تنها شدید امیدوارم از درک کشف من لذت ببرید».

جرقه‌ی نوشتن این رمان چطور زده شد؟
جرقه اصلی این رمان بعد از یک سفری که به الموت داشتم در ذهنم زده شد. در آن سفر کوهی به نام سیالان به شدت توجه مرا به خود جلب کرد. یک حس و حال دل‌انگیزی به من منتقل کرد. البته آنچه که نوشتم دیگر به آن کوه و آن کوهستان مربوط نمی‌شد و تمام و کمال در خدمت انسان بود و طبیعت.

نوشتن رمان مورد نظر چقدر زمان برده است؟
نوشتن رمان «قلمرو منقرض» را از سال ۱۳۹۳ شروع کردم و نسخه پایانی آن را اوایل سال ۱۳۹۹ به نشر نون سپردم و اوایل اسفند همین سال چاپ شد و وارد بازار کتاب شد. در این فاصله چند ساله تمام تمرکز و فعالیت نوشتاری من روی این رمان بود. مطالعه و پژوهش زیادی برایش انجام دادم. چندین نوبت به مکان‌هایی که از آنها در این رمان استفاده کردم سفر کردم و بارها و بارها بازنویسی‌اش کردم. امیدوارم حاصل کار مقبول خواننده و مخاطب داستان ایرانی واقع شود.

این رمان با رمان‌های قبلی‌ات چه تفاوتی دارد و در چه فضایی است؟
جهان پیرامون ما پر است از عجایب کشف نشده. هستی شگفت‌انگیزی که هم درون موجودات جریان دارد و هم بیرون از آنها و منتظر است که توسط انسان فهمیده شود. نویسنده وقتی شروع به نوشتن رمان می‌کند یعنی دریچه‌ای از آن ایهام و معمای هستی به روی او گشوده شده است و او تلاش می‌کند از آن نور و روشنیایی برای پیش رفتن در تاریکی ذهنش استفاده کند.

قلمرو منقرض می‌خواهد چه کشفی درباره انسان را به ما بگوید؟
علاقه درونی من به فهمیدن انسان و ارتباط او با خودش

و با جهان پیرامونش همواره مرا به این سو سوق داده است که این موجود ناشناخته می‌خواهد با خودش و با جهان و با مرگ چه بکند. از کجا شروع کرده است و به کجا می‌خواهد برسد. تاریخ و همه علوم که او پدید آورده چگونه می‌تواند او را به خودش بشناساند. در این رمان انسان در تقابل با طبیعت و جهان پیرامونش قرار می‌گیرد. همیشه مساله من انسان بوده است. انسان با پیچیدگی‌های روحی و روانی با پشتوانه تاریخی و اندیشه و ذهنیتش. در این رمان انسان دغدغه طبیعت دارد و مرگ. سعی کردم نگاهی متفاوت داشته باشم به داشته‌های انسان و نداشته‌هایش. او را رها کنم در جان طبیعتی جاندار. این کشش و علاقه باعث شده است که من در رمان‌هایم از انسان جستجوگری که همواره در پی پیشروی و فهمیدن است، استفاده کنم. شخصیت‌های رمان «قلمرو منقرض» موجوداتی هستند که برای فهمیدن تلاش می‌کنند نه رسیدن به هدف. آن‌ها می‌دانند هیچ هدفی، هدف نهایی نیست. گفتم موجودات نه انسان چون در این رمان موجودات دیگری هم غیر از انسان بار داستان را بردوش می‌کشند. هر چیزی که جان دارد و جان ندارد متعلق به هستی است. هستی یعنی ناشناخته‌ی مهربان که خودش را رها کرده برای فهمیدن، برای کشف و برای لذت.

نو اهل استان کرمان و سیرجان هستی، چه شد در این رمان متأثر از اقلیمی متفاوت از زادگاه خودت شده‌ای؟
من اسیر اقلیمی که خودم در آن زیست‌ام نیستم. سرزمین

سمیرا سرچمی

«حالا، جای داغ را هورت می‌کشم و احساس می‌کنم زندگی دو قسمت است، سرد و گرم. قسمت سرد زندگی دل‌انگیز و هراس‌آور است و قسمت گرم زندگی پر از اشتیاق همراه با دل‌زدگی. من ناگهان، از قسمت سردش وارد قسمت گرم شدم. حالا، فیروزه بدون آن بارانی سیاه بلند که بیرون از این خانه پوشیده بود، هیچ شباهتی به زن‌های این منطقه ندارد. کشیده، لاغر و بلند است. در قامتش، موجی افتاده است. انگار به‌زور روی دو پا ایستاده و هر آن ممکن است دو متر قدش فروبریزد روی چهارپایه‌ی درخت».

ناگهان‌های کوهستان دردناک‌اند و درد همراه همیشگی ناگهان کوهستان است... قبل از خودشان، ترس‌شان بر آدم چیره می‌شود. ترس مهلت تفکر نمی‌دهد. گریز از خطر هم دردناک و جان‌گناه است، البته اگر راه گریزی باشد. دنبال این بودم که بدون درد جان بدهم. برای همین، توی لان ماندم. جان کنند در لان بدون درد است، این را که می‌دانم. دوست دارم درست مثل همه کسانی جان بدهم که قبل از من در لان مرده‌اند، همه کسانی که ابراهیم می‌گفت سر شب تب داشته‌اند و آخر شب مرده‌اند. در لان، جان دادن سخت نیست. مردن دردی ندارد. ابراهیم بارها گفته است. بقیه هم شاهد بوده‌اند. حتما دیده‌ای. می‌خواهم توی لان، توی رختخواب بمیرم، نه توی سرمای کوهستان یا زیر پنجه، چنگال و دندان حیوانی وحشی...»

این بخشی از رمان تازه مرجان عالیشاهی است. سیرجانی متولد سال ۱۳۵۶ که حالا نویسنده‌ی به‌نامی در کشور شده است. مرجان عالیشاهی نویسنده همشهری را چند سال است با رمان‌های خوبی مثل یک «کاسه گل سرخ» و «دوباره لیلای شو» می‌شناسیم. او که چندی‌ست ترک دیار کرده و به عشق غرق شدن در جهان ادبیات و داستان، مقیم پایتخت گشته و به شدت در تولید رمان مشغول تکاپوست. او نویسنده‌ی پرکاری‌ست که پس از دو اثر قبلی حالا با سومین اثرش مهمان خانه‌ی کتابخوان‌ها می‌شود. نشر نون تازگی کتاب «قلمرو منقرض» از مرجان عالیشاهی را به قیمت ۴۹ هزار تومان منتشر کرده است. عالیشاهی خودش می‌گوید: «نوشتن این رمان تجربه‌ی شگفتی بود برایم که خودش داستانی‌ست عجیب. ساعتی‌ست که به

معرفی هنرمند

کوچ برای پیشرفت

آیدا دولت‌آبادی؛ کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و بازیگر تئاتر است. او درباره‌ی اینکه چگونه با وجود تحصیلاتی متفاوت وارد عرصه‌ی تئاتر شده است، می‌گوید: «هنر در مفهوم کلی اون همیشه برای من دنیایی پر از زیبایی و مهر بوده. دنیایی بی‌کینه و عاری از ناامنیات انسانی. اما تئاتر برایم جایی برای رهایی و نشان دادن تمامی شادی‌ها و دردهای بشری است. تئاتر به گونه‌ای ترمیمی از انسانیت و زیستن با تمامی ابعاد و زوایای بشری‌ست.» دولت‌آبادی به طور جدی از سال ۹۷ در سیرجان پا به عرصه تئاتر گذاشته و بازیگری را با نمایش «لالایی بر زمین سوخته» نوشته‌ی سعید شه‌ریار و با کارگردانی صابر سلطان احمدی شروع کرده است. اجرایی از گروه باران که نگاهی متفاوت به جنگ و اجبار و دوره‌ای انتخاب داشت و برای دولت‌آبادی نقطه‌ی عطفی به شمار می‌آمد.

او درباره اینکه چه شد وارد عرصه‌ی تئاتر شد، می‌گوید: «معتمد دغدغه‌های اجتماعی که داشتم رو تا جایی که می‌شه بتونم روی صحنه فریاد زد و شاید اندک انسان‌هایی باشن که صدای این فریاد رو بشنوند. نوعی رسالت انسانی و حتا تاخستن به ناپنجاری‌های پیرامون.»

تاکنون دو اجرای او در فاصله‌ی سال ۹۷ و ۹۸ با نام‌های «لالایی بر زمین سوخته» و «مثل میمون» با کارگردانی ابراهیم اسدی زیدآبادی وارد جشنواره‌ی استانی شده است. دو کاری که منتخب شده‌اند ولی برگزیده نه.

از نظر دولت‌آبادی به جشنواره‌ها نباید امید بست. می‌خندد: «یه جواری مثل انتخابات خودمون میمون (می‌خندد) فکر می‌کنم همه چیز نمایشی‌ست و زیاد آنچنان هم عادلانه نیست و خیلی حاشیه داره همیشه هم رو به رشد نیست... خوب قطعاً با حضور داورها قبل اجرا تا حدودی شرایط نفسگیر میشه اما زمان شروع اجرا فقط میخوای صحنه رو از آن خودت کنی مهم هم نیست چه کسی داره تماشا میکنه غرق میشی بچورایی و تمام تلاشت و می‌کنی که نتیجه‌ی مطلوبی رو رقم بزنی

بله در حال تمرین مداوم بدن و بیان هستم اما چون ویروس شوم کرونا باز زیادتیر شده تمرین‌های پلاتویی هم کمتر شده مناسفانه. به تازگی اجرایی در سالن نوفل لوشاتو داشتیم البته با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و در حال تمرین برای اجرا هستیم تحت نظر استاد رحیم نوروزی و شروع ضبط برای یک فیلم که صحبت‌های اولیه‌ش انجام شده بعد از عید هم مقدماتی برای یک فیلم سینمایی امیدوارم بتونم باهاشون همکاری لازم رو داشته باشم.

مادری در من ردپایش پررنگ است. جنوب و آب و هوایش در جان من همیشه حضور دارد ولی من گرفتار اقلیمی می‌شوم که داستانم در آن شکل می‌گیرد. داستان و شخصیت‌های آن، مکان زیستی خود را انتخاب می‌کنند و مرا به زیست و تجربه آن مکان می‌برند. هربار که داستان و رمانی می‌نویسم اقلیمی جدید کشف می‌کنم و دوره‌ای در آن زیست می‌کنم. رمان «قلمرو منقرض» در کوهستان الموت جان گرفت و نوشته شد. از دشت‌های خراسان به کوهستان الموت و شهر تهران مکان عوض می‌کند ولی بخش زیادی از آن در کوهستان الموت و کوهی به نام سیالان می‌گذرد.

عید سعید مبعث، آغاز راه‌رستگاری و طلوع تابنده مهر هدایت و عدالت مبارک باد

آغاز سال ۱۴۰۰ هجری شمسی، مصادف با میان‌سال جمعیت ایران

کمتر از ۳۰ سال، فاصله با سالمندی

بنیاد فرزندان سیرجان با همکاری اداره بهزیستی برگزار می‌کند:

مسابقه ایده‌ها

• برای داشتن سالمندی پویا، سالم و پر نشاط چه برنامه‌ای دارید؟

صاحب نظران می‌توانند ایده‌های خود را در قالب فایل word، با حداکثر ۴۰۰ کلمه تا ۲۰ فروردین ۱۴۰۰ به شماره ۰۹۱۳۲۲۴۷۰۲۲۴ در واتساپ ارسال نمایند.

جوایز:
نفر اول: ۵۰۰۰۰۰۰ ریال
نفر دوم: ۳۰۰۰۰۰۰ ریال
نفر سوم: ۲۰۰۰۰۰۰ ریال

اعلام نتایج اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ همزمان با اولین انتخابات هیات مدیره بنیاد فرزندان سیرجان

مبارک‌بارت زیاده

جهان‌پرست زنده‌تو

دندانسازی مینا فتحعلی ستوده نیا گرانی

مدیر عامل و اعضاء کانون ناشنوایان سیرجان

دهیاری تهران

قالی محلی دستباف سیرجانی (نو و دست دوم) شما را خریداریم.

۰۹۹۱۷۶۶۵۹۶۹

سیرجان پارس تفلون

مجری پوشش‌های تفلون و بازسازی انواع ظروف تفلون

ظروف آشپزخانه از قبیل: قابلمه، تابه، پلوپز، کیک‌پز و کف‌اتو

پارس تفلون سیرجان

تعمیر لوازم خانگی در منزل

یخچال، لباسشویی، جارو برقی، بخاری و...

معیارپور ۰۹۳۸۱۴۵۵۲۶۰ / ۰۹۱۳۶۱۵۰۷۷۱

اتوبار سعید

حمل اثاثیه منزل، مبلمان، کالای صنعتی و... در سطح شهر و تمام نقاط کشور

۰۹۱۳۶۳۴۵۰۴۴

آدرس: هفتک کمپنی - جنب امامزاده کلان - سلطانی ۰۲۲۴۲۴۸۵۲۳